

فرآیندش پیروی می‌کرد. پس از بررسی کامل فهرست هدف، برای بخشی سازی شهر تهران (کارخانه تولیدات، وزارت پست و تلگراف، دفتر رییس ستاد ارتش و غیره) سرویس اطلاعاتی بریتانیا اظهار داشت اهدافی که ما جهت بخشی سازی فهرست کرده‌ایم درست می‌باشند و این که ما وظایفی را برای بخش‌هایی از تیپ سوم صحتیابی اختصاص دادیم و نیز موارد دیگری که آنان ممکن است پیشنهاد نمایند، در نظر گرفته خواهد شد.

پس از آن ما به آزمایش برنده نظامی دوم خود روی آوردیم که بر این فرض استوار بود که کارول ممکن است قادر باشد تا امکاناتی را در تهران فراهم آورد که بتواند این سه تیپ را کنترل نماید. همگام با اذعان نمودیم که تمرکز تمام امیدهای ما بر روی یک تیپ از پنج تیپ تهران، پس نهایت خطرناک است و این که اگر ممکن باشد، باید تلاش کنیم تا نیروهای دیگری را نیز ایجاد نماییم. سرویس اطلاعاتی بریتانیا این طرح را تأیید نمود و آنها کارول و سرویس اطلاعاتی اسپس هر دو طرح را به یک سر تیپ ارجاع دادند و او نیز روز بعد آنها را بدون هیچ گونه اظهار نظری بازگرداند.

در اثنای این گفتگوها از راه قبرس تلگرافی از تهران به لندن رسید که در آن، پایگاه [سیا در تهران] «تواناییهای نظامی» سرلشکر زاهدی را گزارش می‌داد. این پیام بر تمام نگرانی‌های ما صحه گذاشت. برای مدتی پایگاه [سیا] تلاش کرد تا سرلشکر زاهدی را متقاعد نماید که تواناییهای نظامی خود را برشمرد و نشان دهد که او امیدوار است چگونه از آنها بهره‌جوید. سرانجام سرلشکر زاهدی گزارش کرد، او ادعای کنترل بر هیچ کدام از پنج تیپ تهران را نداشت. طرح نظامی‌اش، فرض را بر این می‌نهاد که او ممکن بود قادر باشد تا از گارد شاهنشاهی، برخی از سربازان ترابری ارتش، بخش‌هایی از اداره پلیس و بخش‌هایی از گارد مسلح گمرک استفاده نماید. او همچنین امید داشت که سرهنگ تیمور بختیار بتواند سربازانی را از فرمانشاه به تهران

گسیل دارد. سرویس اطلاعاتی بریتانیا از کارول خواست تا یک ارزیابی از طرح زاهدی برای آنان فراهم کند. در آن برآورد بیان شد که او باور ندارد نامه فرمائی را در مورد برکناری مصدق امضا کند، مگر زاهدی به او نشان دهد چگونه کنترل رییس ستاد ارتش، ریاحی، بر پادگان تهران، برداشته خواهد شد. افزون بر این، کارول احساس می‌کرد که تی.پی. آزاکس در صورتی موفق خواهد شد که عوامل نظامی جمعی پنج تیپ تهران ایجاد و آماده بهره‌برداری شوند.

سرویس اطلاعاتی بریتانیا در لندن پذیرفت که عملیات ضربتی باید از اولویت‌های زیر برخوردار باشد:

- ۱- اشغال و تسخیر نقاط معین شده.
- ۲- اجرای فهرست‌های دستگیری و بازداشت.
- ۳- بی‌اثر کردن نیروهای نظامی هوادار مصدق در تهران.
- ۴- خنثی سازی شهر تهران.
- ۵- تقویت نیروهای هوادار زاهدی در تهران به وسیله نیروهای مستقر در بیرون از آن شهر.

این اولویت‌ها مرتب شدند، زیرا خوب بود هر چه سریع‌تر از تباطوها قطع شوند تا از این رهگذر نیروها و افراد هوادار مصدق از ارتباط با یکدیگر باز بمانند.

کارول پس از این گردهمایی‌ها با نخستین هوادارهای موجود، لندن را ترک کرد و در ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیر) به تهران رسید و با فرزندان تماس گرفت. پس از بررسی گزارشهای ارتباط عملیاتی فرزندان که در هر گیرنده تمام مذاکرات مهم او در تهران پس از بازگشتش از ایالات متحده بود، دو افسر که دارای آینده‌ای روشن بودند، شناسایی شدند. اینها گزارشهای ارتباطی در مورد گفتگوهای انجام شده با سرلشکر نادر با تمانقلیچ و سرهنگ حسن

اخوی بود که هر دو از دوستان دیرین و خوب فرزانه‌گان بودند. این دو افسر نگرانی‌شان را از حزب توده که پس از نمایش آن -نیزب در ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیر)، در حال فراگیر شدن بود، منعکس می‌کردند. گویران<sup>۱</sup>، گودوین<sup>۲</sup> و کارول پذیرفتند که ضروری است تا کارول در اسرع وقت با افسری که زاهدی برای کار روی طرح نظامی به کار کمارده، دیدار نماید. زاهدی هیچ‌گاه در صدد تعیین یک دبیرخانه نظامی بر نیامد و از این رو، برای ما لازم بود تا دبیرخانه خود را گسترش دهیم.

به سبب موقعیت آشکارا ضعیف زاهدی در میان نظامیان شاغل و به علت این که آشکار شد لازم است میا ابتکار عمل را به دست بگیرد و او را با یک طرح نظامی و نیز نیروهای نظامی مجهز کند، به تعلیم سرهنگ اخوی شتاب داده شد. فرزانه‌گان همچنین دستور یافت تا تعیین کنند که سرهنگ اخوی چه امکاناتی را می‌تواند برای او فراهم نماید. سرهنگ اخوی در آغاز، «برنامه الف» را پیشنهاد نمود که در برگیرنده کودتایی نظامی بود، اما روشن نمی‌کرد که این کودتا چگونه می‌بایست انجام پذیرد. سپس فرزانه‌گان زیر فشار فرار گرفت تا سرهنگ اخوی را متقاعد نماید که واقع‌بین‌تر باشد و در ۳۰ ژوئیه (۸ مرداد) او از سرهنگ اخوی طرحی مشخص‌تر اما بسیار ناقص را دریافت کرد. سرهنگ اخوی گفت که او در عرض دو ساعت فهرست‌های دستگیری و هدف را اجرا می‌کند و تأسیسات نظامی و نیروهای ناهمراه را خنثی می‌سازد. همه اینها یاره بود. مهم‌ترین موضوعی که سرهنگ اخوی گزارش کرد آن بود که او با سه سرهنگ جوان که احتمالاً نیروی درخوری در پادگان تهران دارند، در تماس بود. سرهنگ اخوی همچنین به فرزانه‌گان گفت که سرلشکر یا تماقلیچ فاقد شهامت است؛ اما چنانچه شاه او را ربیب ستاد

1. Goiran

2. Goodwin

ارتزیر کند؛ موجب تقویت روحی او خواهد شد. سرهنگ اخوی نامر از سرلشکر زاهدی برد و به نغز نسبی رسید با او در تماس باشد. فرزندان به سرهنگ اخوی گفت که او می تواند موجبات ارتباط او [سرهنگ اخوی] را با یک یا دو آمریکایی فراهم آورد که خود وی در ایالات متحده با آنها دیدار نموده بود.

در این زمان بود که شاه نیز خاطر نشان ساخت که کنترل عوامل نظامی مهم را در دست ندارد.

کارول در روزهای ۲ و ۳ اوت (۱۱ و ۱۲ مرداد) با اخوی و فرزندان دیدار کرد و برنامه ریزی گروه را آغاز نمود. سرهنگ اخوی بی اندازه خواهان آن بود که کاری انجام دهد، اما هیچ ایده ای برای انجام آن نداشت. او گفت که دوستانی دارد که می توانند تیپ های دوم و سوم صحرائی را به فرمان خود در آورند اما نه به سرهنگ اشرفی؛ فرمانده تیپ سوم صحرائی [که گفته می شد یکی از عوامل سرویس اطلاعاتی بریتانیا است] اعتماد دارد نه به سرهنگ ستار فرمانده تیپ دوم صحرائی. سرهنگ اخوی گزارش داد که سرلشکر باثمانقلیج روز پیش به او گفته بود که اگر شاه دست به کار شود، او آماده اجرای هر گونه خدمتی می باشد و این که در صورت نیاز حاضر است تا جان خود را فدای شاه نماید. پس از این دیدارهای زودرس با سرهنگ اخوی، آشکار شد که خود او در موقعی نسبت که بتواند فرماندهی را به عهده گیرد و تنها اسدوار است که شاید دوستانش را به انجام این کار متقاعد نماید.

سپس کارول مستقیماً با سرهنگ اخوی و دوستانش دیدار نمود که بر حسب تصادف سرهنگ زند کربسی، معاون سرهنگ ستار بود. سرهنگ زند کربسی یک فهرست بلندبالا از عوامل جمعی پادگان نهران را گزارش داد که عمدتاً از میان فرماندهان جانشین تیپ ها و فرماندهان هنگها بودند. در روزهای ۶، ۷ و ۸ اوت (۱۵، ۱۶ و ۱۷ مرداد)، سرهنگ اخوی، سرهنگ زند

کریمی و سرهنگ فرزاتگان همراه با آقای کارول، به برنامه ریزی گروه مبتنی بر واحدهای زیر امر فرماندهانی که ظاهراً با زند کریمی دوست بودند، ادامه دادند. سرهنگ زند کریمی گفت که دوستان اصلی اش عبارتند از سرهنگ حمیدی از پلیس تهران، سرهنگ اردوبادی از حوزه ژاندارمری تهران و سرهنگ منصورپور فرمانده نیروی سواره نظام ایران. او بر این باور بود که از طریق این دوستان و دوستان دیگرش که از فرماندهان هنگها و گردانها بودند، پیروزی نهایی از آن ماست. در میان این دوستان، نام فرماندهان واحدهای مهم پادگان تهران دیده می شد که عبارت بودند از سرهنگ روحانی، جانشین فرماندهی تیپ سوم صحرائی، سرهنگ دوم خسروپناه، فرمانده هنگ پیاده نظام تیپ دوم صحرائی و سرهنگ دوم یوسفی، که بزودی از او باید در مقام فرمانده هنگ پیاده نظام تیپ سوم صحرائی نام برد. سرهنگ زند کریمی از طریق این افسران با تمام فرماندهان گردانها و اغلب فرماندهان گروهانها در ارتباط بود. با وجود این، این افسران سازماندهی نشده بودند و آمادگی آن را نداشتند که کنترل شدید سرلشکر ریاحی رییس ستاد ارتش بر پادگان تهران را که از طریق فرماندهان تیپ های تهران انجام می گرفت، از میان بردارند. برای نمونه ما اگر قصد موفقیت داشتیم، می بایست سرهنگ شاهرخ، فرمانده تیپ یکم زرهی، سرهنگ پارسا، فرمانده تیپ یکم صحرائی و احتمالاً سرهنگ اشرفی، فرماندار نظامی و فرمانده تیپ سوم صحرائی را دستگیر کنیم. احتمالاً سرهنگ نوذری فرمانده تیپ دوم زرهی بی طرف می ماند، اما ما احساس می کردیم که لازم است جانشین او، سرهنگ دوم بهرامی، دستگیر شود.

از این رو، از دیدگاه نظامی آشکار شد که مسکن است موفقیت وابسته به این باشد که سرلشکر ریاحی موفق به دستگیری دوستان ما، پیش از این که ما دوستان او را بازداشت کنیم، بشود یا نه و این که آزمایش قدرت به اندازه ای

بسیار زیاد وابسته بود به میزان امنیت که ما قادر به حفظ آن بودیم و در همین حال نیز کوشش کردیم تا همه دوستان خود را در یک گروه کارآمد به هم پیوند دهیم.

نیز آشکار شد که ما ناچاریم تا به نقشه‌ای بیندیشیم که قادر به راهبری عملیاتمان (در صورتی که دسته نخست افسران جوان دستگیر شوند) باشد. از این رو کارول با سرهنگ فرزائکان و سرهنگ زند کریمی به مدت دو شب روی طرحی که در صورت دستگیری تیم نخست ما بتواند عمل نماید، کار کرد. علامت خطری که ما برای هشدار دادن به فرماندهان گردانها و گروهانها اتخاذ کردیم تا بدان وسيله مستقلاً عمل نمایند، دستگیری سرهنگ زند کریمی و نزدیکترین دوستانش بود. ضعف طرح ما در این واقعیت بود که پایگاه [سیا در تهران] در موقعی نیست تا با فرماندهان گردانها و گروهانها ارتباط برقرار کند؛ اما ناچار است تا به سرهنگ زند کریمی برای انجام این مهم تکیه نماید. در حال بحث پیرامون این موضوع، سرهنگ زند کریمی اظهار داشت که قادر است در عرض ۴۸ ساعت پس از دریافت فرمان شاه، با فرماندهان واحدهای پایین‌تر تماس حاصل کند.

تردید شاه در امضای فرمان به سود ما تمام شد؛ زیرا فرصت چندین روزه مهمتری را در اختیار ما نهاد تا در اثنای آن با سرهنگ زند کریمی پیرامون گسترش طرحهای نهایی گروه‌مان که مبتنی بر بهره‌جویی از واحدهای زیر فرمان دوستانش بودند، تبادل نظر نماییم. بیماری شدید سرهنگ اخوی و این که او به سبب آن بعداً ناچار شد تا در بستر به استراحت پردازد، این مشکل را پیچیده‌تر کرد. همان‌چنان که نقطه عطف نزدیک می‌شد، تنش افزایش یافت و تردیدی نیست که تنش همراه با ترس، بی‌ارتباط با بیماری سرهنگ اخوی نبود. سرهنگ اخوی با وجود بیماری توانست در روز ۹ اوت (۱۸ مرداد)، با شاه گفتگو کند و بعدها ثابت شد که این امر برای موفقیت

مرحله نظامی نمی‌بوی، آژاکس سرنوشته ساز بوده است. تا زمانی که سرهنگ اخوی با شاه دیدار کرد، معلومین نبود که آیا دوستان ما در پادگان تهران بدون تأیید شاه عمل می‌کنند یا نه. با وجود این، سرهنگ اخوی پس از گفتگو با شاه قادر شد تا به سرهنگ زند کریمی بگوید که در صورتی شاه برای امنیای فرمان تصمیم خواهد گرفت، که مورد پشتیبانی نظامی قرار گیرد.

شاه از سرهنگ اخوی پرسید که آیا ارزش از فرمان برکناری مصلوفی هواداری می‌تواند یا نه. سرهنگ اخوی به شاه گفت که او با کارول دیدار نموده و یک طرح معقول در دست تهیه است که اگر به گونه‌ای مناسب انجام شود، پیروزی را تضمین می‌نماید. شاه سپس پیرامون نام افسران که همکاری می‌کنند، از اخوی سؤال نمود و سرهنگ اخوی نیز همان نام‌هایی را که ما پیشتر از طریق اسدالله رشیدیان به شاه ارائه نموده بودیم، به او گزارش کرد. او از اخوی خواست تا با سرلشکر زاهدی دیدار کند. سرهنگ اخوی در گزارش دیدارش با شاه، از پایگاه پرسید که آیا ایالات منجده از سرلشکر زاهدی حمایت می‌نماید. به او جواب مثبت داده شد. سرهنگ زند کریمی نیز سرلشکر زاهدی را مورد تأیید قرار داد. هر دو (سرهنگ اخوی و سرهنگ زند کریمی) گفتند که آنان چندین ماه است که با سرلشکر زاهدی ارتباط نداشته‌اند، اما بر این باورند که او رهبر بسیار خوبی است.

در طول شبهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ اوت (۲۰، ۲۱ و ۲۲ مرداد)، برنامه‌ریزی گروه ادامه یافت که مبتنی بر استفاده از چهار فرمانده خط مقدم در پادگان تهران بود. سرهنگ اخوی با سرلشکر زاهدی دیدار نمود و در این دیدار زاهدی پذیرفت که ممکن است سرلشکر بانماقتلیج رییس ستاد ارتش شود. سرلشکر بانماقتلیج اظهار داشت که مایل است تا با کارول دیدار کند و طرحها را با او، فرزانتگان، سرهنگ اخوی و سرهنگ زند کریمی به بحث بگذارد. این دیدار تا زمانی به تعویق افتاد که احساس کردیم طرح گروه ما به اندازه کافی

کامل است که سرلشکر باتمانقلیچ بتواند روی آن اقدام نماید.

در ۱۱ اوت (۲۰ مرداد) زاهدی از اخوی خواست تا فرزانشان را به دیدار او برود. سرلشکر زاهدی و فرزانشان به مدت سه ساعت با یکدیگر گفتگو کردند. فرزانشان گزارشی داد که سرلشکر زاهدی بی‌اندازه سپاسگزار یاری آمریکا بود و از فرزانشان خواست تا به عنوان افسر رابط و جهت معاضد نظامی میان او (زاهدی) و آمریکاییان عمل کند. او همچنین از فرزانشان خواست تا مانند مأمور او مسئول دفتر نظامی گردد که طی هفته اخیر با کارول ملاقانهایی داشته است. در ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) فرزانشان، سرلشکر باتمانقلیچ را به دیدار زاهدی برد و باتمانقلیچ به زاهدی قول همه‌گونه کمک را داد. فرزانشان همچنین سرهنگ زند کریمی را به دیدن زاهدی برد و زندکریمی روند پیشرفت برنامه‌ریزی گروه نظامی را به سرلشکر زاهدی گزارش داد. در بازنگری آشکار شد که در شرایطی مطلوب‌تر ما می‌بایست زمان بیشتری را صرف بررسی طرح با زاهدی و باتمانقلیچ می‌کردیم؛ زیرا در این لحظه بود که مرحله نظامی نبی.بی.آزاکس به زاهدی محول گردید، گرچه وی هیچ‌یک از افسران جوان درگیر در عملیات را نمی‌شناخت و سرلشکر باتمانقلیچ تنها با اندکی از آنان آشنایی داشت.

در طول بعد از ظهر روز ۱۵ اوت (۲۴ مرداد)، کارول با سرلشکر باتمانقلیچ و اعضای دبیرخانه نظامی، مرکب از فرزانشان، سرهنگ اخوی و سرهنگ زند کریمی دیدار کرد. انتظار می‌رفت فرمانها به درنگ تهیه گردند و بیشتر گفتگوها پیرامون این مطلب بود که چه مدت طول می‌کشد تا سرهنگ زند کریمی با جبهل فرمانده خط مقدم هوادار ما ارتباط برقرار کند. پس از بحثی طولانی همه پذیرفتند که ظرف ۴۸ ساعت به دنبال دریافت فرمانها؛ عملیات باید آغاز شود. همچنین موافقت شد که سرهنگ نصیری، فرمانده تارد شاهنشاهی، فرمانها را به مصدق ارایه نماید. این امر پس از آن صورت

می‌گرفت که سرهنگ نصیری یک دستگاه رادیو را که [امواج آن] بر روی [رادیوی] شبکه فرماندهی سرهنگ زند کریمی تنظیم شده بود، به پایگاه می‌فرستاد.

سرهنگ نصیری در ۱۳ اوت (۲۲ مرداد) با فرمانهای امضا نشده به سوی رامسر پرواز کرد.



پیوست هـ

نقد نظامی - درسهای آموخته شده از تی.پی.اژاکس  
در باره ابعاد برنامه ریزی نظامی کودتا



## اول. مسأله ارزیابی نیروها

الف. اگر سازمان سیاه بر آن شد تا یک دولت منحاصم را با به کار گرفتن نیروهای مسلح علیه آن، سرنگون نماید، باید نیروهای دوست و همراه را شناخته، با آنان ارتباط برقرار کند و به صورتی مغلوب ایشان را به کار گیرد.

ب. تصمیم‌گیری برای تلاش در راه یکی کودتای نظامی باید تنها هنگامی انجام گیرد که از وجود نیروهای بالقوه و مفید، مطمئن بود. در این ارزیابی، باید میان «عناصر علاقه‌مند» و «عناصر فعال» سایز قیاس شد. تجربه نشان داده است که در تلاش برای ارزیابی عوامل و نفوذ بالقوه، تا حد امکان، داشتن اطلاعات مفصل پیرامون شرح حال تمام پرسنل نظامی که حضورشان ممکن است بر مسأله تأثیر گذارد، خواه دشمنان احتمالی و خواه دوستان، امری سرنوشت‌ساز است.

ج. اطلاعات پیرامون شرح حال این افراد را نمی‌توان در کوتاه‌مدت گردآورد. این شرح حالها باید به صورت مداوم گزارش گردد و در سرگیرنده کلیه اطلاعات هر چند جزئی در مورد افراد خاص باشد. وابسته‌های نظامی، کتابهایی معمول برای گردآوری این گزارشها بوده، اما گروههای

مستشاری نظامی<sup>۱</sup> هر جا که باشند، بهترین منبع برای این گونه اطلاعات هستند؛ چرا که آنها شانه به شانه کارکنان محلی کار می‌کنند و با آنان سر و کار دارند. نجریه به ما نشان می‌دهد که بر این نیاز، پس اندک تأکید کرده‌اند. همچنین بیشتر پرونده‌های افراد، تنها ارجاعات کوتاهی را به مأموریت‌ها، ترفیعات، مدالها و نشانهای فرد مورد بررسی در بر می‌گیرند و سراسر ویژگی‌های شخصی او را که می‌تواند نشان دهد او واقعاً چه کسی است، چه عواملی محرک اوست، دوستان او چه کسانی هستند و غیره را شامل نمی‌شوند.

۵. پرونده‌های پرسنلی جاسوسان سیا در نیروهای مسلح کاملترند؛ اما این جاسوسان در رکن ۲ و دیگر ارکان و نه در میان فرماندهان رزمی یافت می‌شوند.

۶. با فرض این که اطلاعات کامل پیرامون شرح حال پرسنل نظامی و انگیزش‌های آنان در دست باشد، وظیفه بعدی ما ارزیابی نقدانه و موشکافانه شخصیت هر فرد نظامی مورد بررسی است. می‌باید در ارزیابی این افراد، شناختی دقیق از آداب و رسوم نیروهای مسلح محلی مدنظر قرار گیرد. برای نمونه، در دوره معاصر، شکست برای ارتش ایران به سستی محسوب تبدیل شده است. افسر ایرانی معمولاً نامصمم است و کمبودهای خود را با گزافه‌گویی و بر سینه کوفتن می‌پوشاند. بنابراین تعیین رهبرانی که مایل هستند هدایت امور را در دست بگیرند و در این راه جان خود را از دست بدهند، شغلی پر مخاطره است. شاید شاه نمونه خوبی از یک افسر ایرانی باشد؛ زیرا ضعفهای او در نمایی افسران

۱. Military Advisory Assistance Groups

۲. رکن ۱، رکن ۲، رکن ۳ و رکن ۴ (G-1, G-2, G-3, and G-4) هر یک از چهار رکن اصلی هستند. رکن ۱ در برگیرنده امور پرسنلی، رکن ۲ اطلاعات، رکن ۳ آموزش و عملیات و رکن ۴ تدارکات است. (م.)

منعکس شده است.

از سوی دیگر، به یک فرمانده واقعی در ارتش ایران می‌بایست به اندازه وزنی طلا داد، زیرا بدرستی ارزش او در ایران به مراتب بیشتر از کشورهای است که شجاعت در آن جایگه سنت است.

و پس از آن که ارزیابی شخصی افراد کامل شد، سیا در همد جناح‌ها با گروه‌ها، اشخاص خوب و بد را متمایز خواهد نمود. در این جبهه انگیزش‌های سیاسی و وطن‌پرستانه می‌بایست به خوبی برآورد شوند. محیط سیاسی، تابع ارزیابی افراد خواهد بود و ممکن است عملیات غیرنظامی<sup>۱</sup> لازم شود، بدان صورت که شرایط مستعد برای تشدید یا تضعیف این انگیزش‌ها را آن گونه فراهم آورد تا عوامل و افرادی بالقوه پدید آیند که به هنگام ارزیابی‌ها هنوز وجود نداشته‌اند.

ژ. حس دوستی و دل‌بستگی به «جهان آزاد»، «ایالات متحده»، «سازمان ملل متحد»، «استعمار سفید» و بسیاری از انگیزش‌های سیاسی دیگر، در همه کشورها یافت می‌شود. سیا دریافت که افسران ارتش ایران عموماً «هوادر شاه»، «هوادر مصدق» یا افرادی «ابن الوقت» هستند. شدت انگیزه‌های سیاسی فرد، در هر مورد متفاوت و اغلب کم اهمیت‌تر از انگیزه‌های شخصی همانند جاه‌طلبی، حسادت، بیزاری افسران جوان از افسران سالخورده و برعکس است. انقلاب‌های نظامی در ایران مرسوم نیست، اما رضاشاه از جایگاه نظامی خود همچون سکوی پرتاب برای در دست گرفتن افسار دولت سود برد. از این رو، انگیزه سیاسی افسران و انگیزش‌های شخصی در محیط سیاسی، عواملی بودند و هستند که می‌بایست در ارزیابی پرسنل نظامی مورد توجه قرار گیرند.

۱. ارزیابی فرمانده کل قوا، شاه، که در رأس دولت نیز قرار داشت، از چنین

اهمیتی برخوردار بود. از دیدگاه نظامی، ارزیابی شاه به عنوان فرمانده کل قوا می‌بایست شامل برآورد عمق نفوذ، توانایی فرماندهی و شهامت او در شرایط بحرانی باشد. فواید او همچون کانون یا نقطه پیوندی که اشخاص و گروههای نظامی ممکن بود گرد او تجدید سازمان یابند، می‌بایست مورد ارزیابی قرار گیرد.

بدون گفتن دلایل آن، ارزیابی ما در مورد سودمند بودن شاه، در زمینه‌های زیر، مثبت بود:

۱. رأس هرم دولت، تا دولت متخاصم را برکنار نماید.

۲. فرمانده کل قوا در مقام نماد انسجام بخش.

ارزیابی ما در زمینه‌های زیر منفی بود:

۱. فرمانده کل قوا در مقام برنامه ریز و سهیم در اقدام نظامی.

۲. پس از ارزیابی شاه، چنین نتیجه گرفتیم که او همچون یک نماد می‌تواند

برای برانگیختن بخش مهمی از پرسنل نظامی برجسته به کار گرفته شود.

۳. ارزیابی‌های ما در مورد نظامیان ویژه، ما را به این نتیجه رساند که

سرلشکر زاهدی به دلایل زیر، بهترین و مناسب‌ترین افسر موجود جهت

راهبری نیروها برای شاه و برضد دولت متخاصم است:

۱. او تنها فرد موجود در ایران است که آشکارا برای دستیابی به مقام

نخست وزیر تلاش می‌کند.

۲. از این رو او شهامت بی‌مانندی در آن راه نشان داده است.

۳. او در گذشته شجاعت خود را نمایان ساخته، زیرا همچون یک کهنه

سرباز با ۲۵ سال سابقه خدمت، به پاس رهبری نبرد

علیه بولشویکها، به درجه سرتیپی ارتقا یافته بود.

۴. پس از این که چهار تا از دنده‌هایش برداشته شد، یک

پزشک آمریکایی زندگی او را نجات داد.

۵. او به هواداری از ایالات متحده شناخته شده بود و اجازه داد تا پرسش، اردشیر، به مدت ۶ سال در آن کشور به تحصیل پردازد. وی در مقام یک سرلشکر ارشد، احترام بسیاری از افسران ارشد و جزء را به خود جلب کرده بود.

۶. در ارزیابی او، موارد منفی از این قرار بودند:

الف. چندین سال از ارتش خارج بوده است و افسران جزء جوان را نمی‌شناسد.

ب. در پاره‌ای موارد همچون فردی رشوه‌خوار شناخته شده است. میزان توانایی او در رهبری یک کودتا مشخص نیست. او خود را نه مثلاً یک افسر ستاد، بلکه عمدتاً در مقام یک فرمانده، جلو‌نگر ساخته است.

ج. بیشتر دوستانش غیر نظامی و اندکی، از افسران ارتش هستند.

۱. اراکراف ک<sup>۱</sup> در متن اصل سند حذف شده که احتمالاً در برگیرنده ۱۴ خط است.

ل. ارزیابی دقیق سلسله مراتب فرماندهان خط مقدم در پادگان تهران، نا رسیدن رهنمودهای اطلاعاتی به پایگاه عملیاتی، نمی‌توانست به واشنگتن فرستاده شود. برای نمونه، مرکز فرماندهی نام هیچ کدام از فرماندهان تپهای مستقر در تهران را نمی‌دانست و شگفت این که رکن ۲ پتتاگون نیز از این مورد بی‌اطلاع بود. همچنین، مرکز فرماندهی و رکن ۲ پتتاگون، هیچ تصویری از ترتیب اقدام در ایران نداشتند. از این رو پیش از ارزیابی دقیقی از سلسله مراتب فرماندهی، پایگاه عملیاتی تهران می‌بایست اطلاعات نظامی را که به وسیله وابستگان نظامی و بر مبنای روز به روز گردآوری شده باشد، به مرکز فرماندهی گزارش نماید.

۴. در حالی که مرکز فرماندهی در حال ارزیابی افسران ویژه بود، تصمیم

علمای جهت براندازی مصدق، توسط وزارت امور خارجه ایالات متحده گرفته شده بود. این تصمیم برای مبادرت به اقدام، بدون هیچ گونه تصویر روشنی از اوضاع نظامی ایران، بدون داشتن حتی یک فهرست از نام افسران و وظایف آنان و بدون داشتن هیچ گونه عوامل عملیاتی در میان افسرانی که در مناصب فرماندهی بودند، گرفته شد. بنابراین باید دریافت که در تمام مراحل اقدام نظامی ما، حرکتی سریعتر و تا آن اندازه مورد نیاز بود، چنان که ارزیابی‌ها و تصمیمات اتخاذ شده از امنیت کمتری برخوردار بودند.

نه ارزیابی‌ها از رییس ستاد دولت مصدق، سرلشکر تقی ریاحی، با دقت فراهم شد. ما او را با توجه به محیط شخصیتش مورد ارزیابی قرار دادیم که در برگزیده این موارد بود: بررسی افرادی که با آنان زندگی می‌کرد، افرادی که او آنان را از مقام خویش برکنار نموده بود، اشخاصی که به کار گمارده بود، افرادی که در ستاد خود گردآورده بود و آن دسته از اشخاص سیاسی که با آنان همکاری داشت. از دیدگاه سیاسی، تردیدی وجود نداشت که مصدق رییس ستاد خود را بسیار خوب برگزیده بود. (ما مطمئنیم که ریاحی در صورت بروز یک درگیری، نه از شاه، بلکه از مصدق پیروی می‌نماید. اما از دیدگاه نظامی، سرلشکر ریاحی دارای چند نقطه ضعف بود. گرچه مطمئن نبودیم اما دلیل خوبی داشتیم تا امبدوار باشیم که بی‌تجربگی ریاحی در امور فرماندهی و نبرد، در صورت انجام یک آزمایش نظامی از او، خود را سهم جلوه خواهد داد. ما نمی‌توانستیم در شهادت شخصی و درستی او تردید کنیم. نیز دریافتیم که با سه تن از اعضای برجسته حزب ایران، هوادار مصدق، همنشینی داشتند و این که او عملاً یک جناح هوادار مصدق را در ارتش رهبری نموده بود. او و بیسر کارکنان ستادش، تحصیل کرده فرانسه، در کار ستادی بسیار دقیق و در

میدان جنگ بسیار خام و بی تجربه بودند.

س. هنگامی که پایگاه عملیاتی ارساگ گزارش برامون مشخصات فردی فرماندهان تیپ‌ها، فرماندهان جانشین تیپ‌ها، فرماندهان هنگ‌ها و گردانهای مستقر در تهران و دیگر بخش‌های ایران را آغاز نمود، ما قادر شدیم تا اوضاع را با وضوح بسیار بیشتری ارزیابی نماییم. آشکار شد که دستگیری یا برکنار کردن بیشتر فرماندهان تیپ‌ها امری مورد نیاز است و آن چه باید عمدتاً انجام گیرد، ایجاد امکانات عملیاتی پایین‌تر از رده‌های فرماندهی است. بعداً ثابت شد که این ارزیابی صحیح بوده است و در وقت ما صرفه‌جویی بسیاری کرد و از جنبه امنیتی نیز ما را از آسیب مصون داشت. به خاطر لزوم همه جانبه حصار امنیتی مستحکم، ما از آغاز کار نیاز به برقراری تماس با و آماده‌سازی افرادی را مشاهده نمودیم که همکاری آنان احتمال موفقیت ما را بسیار بالا می‌برد.

ع. مطلبی که بی‌درنگ پس از بررسی موارد بالا دریافت می‌شود آن است که داشتن اطلاعات فرائید مربوط به شرح حال اشخاص، برای کامیابی هر عملیاتی که متضمن بهره‌جویی فراوان از پرسنال نظامی است، امری سرفوشست‌ساز است. اشتباه در ارزیابی یکی از افسران می‌تواند به آسانی سرچشمه شکست باشد و از سوی دیگر، امکان موفقیت نیز حول همین محور می‌گردد.

دوم. الف. اطلاعات نظامی همچون مبنایی برای عملیات در جهت سرنگونی دولت متخاصم

۱. در حوزه هر کدام از پایگاه‌های سیاه که اقدام انقلابی لازم شود، افسران شبه نظامی می‌بایست یک نقشه نظامی در اختیار داشته باشند. نقشه‌ها می‌باید در معیاس‌های مختلف مورد نیاز آماده گردند و ترتیب کامل نبرد

بر مبنای اوضاع موجود، مشخص شود. مسأله تدارک مهمات، گازویل و بنزین، پوشاک و تجهیزات و غیره می‌بایست به دقت مورد بررسی قرار گیرد. فرستادن یک تیپ برای مقابله با دولت متخاصم هنگامی که نفرات آن هر کدام تنها شش فشنگ در اختیار دارند، امری بی‌فایده است.

۲. اقدامات تدافعی دولت متخاصم نیز باید با دقت بسیار مورد بررسی قرار گیرد. دولت مصدق پیشتر وسایل نقلیه موتوری نظامی را در یک جایگاه موتوری گرد آورده است، هر تانک تنها برای یک ساعت کار، بنزین در اختیار دارد، توزیع مهمات به حداقل میزان خود رسیده است و زاغه‌های مهمات نیز بسیار تقویت و محافظت می‌شوند. کد رمزی برای ارتش ایران تنها سه هفته پیش از برکناری مصدق تغییر یافت [اندکی بیش از چهار سطر حذف شده است]. در دو مورد بحرانی، رییس ستاد، سرلشکر ریاحی، همه افسران رادر پادگان تهران گرد هم آورد و حس وطن‌پرستی آنان را که برای او به معنی پشتیبانی از مصدق بود، برانگیخت. سرلشکر ریاحی دستور تهیه فهرست شماره پلاک خودروهای افسران را صادر کرد. همچنین منازل برخی افسران، به صورت تصادفی مورد کنترل تلفنی قرار گرفت تا معلوم شود کدام یک از آنان عصرهای خود را بیرون از منزل سپری می‌کنند.

ب. همچنین لازم است تا تمام مناصب نظامی که می‌بایست اشغال یا حفظ گردند، مورد مطالعه قرار گیرند. بدین منظور نیاز است تا نقشه مفصل مراکز فرماندهی مهم، مراکز ارتباطی حساس و غیره را داشته باشیم. ما در آغاز می‌پی.آژاکس هیچ کدام از این اطلاعات را در اختیار نداشتیم، مگر تعدادی از مطالعات دقیق خرابکاری که پیرامون تأسیسات غیرنظامی تهیه شده بود.

ج. در اقدامی از این نوع، لازم است از قبیل مشخص گردد که پرسنل و

تأسیسات شهری کلیدی می باید اشغال شوند. باید این امکان وجود داشته باشد که در صورت نیاز بسیاری از منابع اطلاعاتی جهت ارزیابی چهره‌های سیاسی در اختیار قرار گیرند. اما گردآوری اطلاعات پیرامون مشخصات تلفنخانه‌ها، ایستگاههای رادیر، فرودگاهها و غیره هنگامی پس سودمند خواهد بود که زیر نظر یک افسر شبه نظامی باشد که می داند به دنبال چیست. این بدین معنی نیست که یک افسر اطلاعاتی کارآموزده نمی تواند همان کار را انجام دهد، اما رهنمودهای اطلاعاتی مورد نیاز او می باید با دقت فراهم گردند.

۵. اوضاع جوی ممکن است مطلقاً برای موفقیت، سرنوشت ساز باشند و باید حداقل از قبل، مدنظر قرار گیرند. برای نمونه اگر مه وجود داشته باشد، عوامل زمان و فواصل، در برنامه ریزی هیأت مجری ممکن است کاملاً غلط از آب درآیند. باران و توفان نیز امکان دارد همین پیامد را داشته باشند. این مسأله که عملیات در روز انجام شود یا شب، تصمیمی تعیین کننده است و می بایست در میدان عملیات مشخص گردد. در مکانهایی که حکومت نظامی وجود دارد، شرایط ممکن است تغییر اساسی بنمایند. در دیگر موارد، عاداتهای مردم امکان دارد از اهمیت نظامی بسیار زیادی برخوردار باشند. برای نمونه خواب نیمروز احتمالاً به جهت تعطیل شدن اغلب مغازه‌ها در مناطق تجاری، دارای اهمیت است. همچنین یکی از روزهای هفته که از اهمیتی مذهبی برخوردار است و نیز تعطیلات مهم، می بایست جهت استفاده احتمالی مورد بررسی قرار گیرند. روزهایی که اقدام در آنها گروههای مخالف را بی اثر ساخته یا می تواند بی اثر کند، می بایست با دقت مطالعه شوند. برای نمونه واحدهای آموزشی یا نظامی در برخی مناطق چرخشی است و ممکن است تشخیص داده شود که یکی از واحدهای دشمن در روزی که احتمال عملیات وجود دارد، به

بیرون از حوزه عملیاتی فرستاده شود.

۵. اطلاعات نظامی در مورد بخش‌های رکن ۱ مسکن است از سودمندی بسیاری برخوردار باشد. در پاره‌ای موارد جایگزینی با انتصاب مجدد افسرانی که از دید ما در مناصبی نامناسب هستند، امری امکان‌پذیر است. البته قرارداد آن فرد مناسب در جای مناسب در زمان مناسب مهم‌ترین عامل در همه عملیاتهای نظامی است و نمی‌بایست در عملیاتی از این دست، تحت هیچ شرایطی نادیده گرفته شود.

۶. فعالیتهایی که ممکن است علیه شما [نیروهای خودی] انجام شوند، باید موشکافانه مورد بررسی قرار گیرند و اطلاعات کافی را از این گونه اقدامات به دست آورد، پیش از آن که آنها عملاً به اجرا درآمده باشند. همچنین باید درک کرد که از بخش‌های رکن ۲ می‌توان به شیوه‌های گوناگون بهره جست. اگر شما [نیروهای خودی] در باره سیستم چینی‌های نظامی به بخش‌های رکن ۲ اطلاعات انحرافی بدهید، احتمال دارد از این امر در جاهایی که مسکن است موجب ایجاد وحشت در اردوی دشمن گردد، بهره برداری شود. ما در ایران از این واقعیت که بسیاری از گروه‌های افسران، مضمون به برنامه‌ریزی برای یک کودتا هستند، بیشترین بهره را بردیم. همچنان که تنش بالا می‌گرفت، گزارشهایی از این دست نیز افزایش می‌یافت. اگر چه این گونه تلاشهای آنان موجبات گوش به زنگ بودن دولت را فراهم می‌آورد، از سوی دیگر موجب استتار فعالیتهای ما و دوستانمان نیز می‌شد. سراسر این موضوع، ذاتاً و با در نظر گرفتن شرایط محلی، شایسته بررسی است، اما تجربه ما ممکن است تا اندازه‌ای در جاهایی که اوضاع همانندی وجود دارد، سودمند و یاری‌دهنده باشد.

۷. امکان آن وجود دارد که دیگر گروه‌های نظامی، در حال شکل‌گیری برای

نبرد با دولت متخاصم باشند و در این صورت ما باید از ماهیت آنان و این که قصد انجام چه کاری را دارند، آگاه شویم. لازم است تا پاره‌ای از این گروه‌ها را متلاشی یا در نیروهای خود ادغام کنیم. در هر دو صورت، عمل ما باید سنجیده و برپایه اطلاعات بسیار دقیق باشد. عمل تحریک آمیز باید به دقت بررسی شود و گام‌های جبرانی در صورت به دام افتادن هر کدام از دوستان ما برنامهریزی و اجرا کردند.

ج. گردآوری اطلاعات پیرامون دوستان خود ما، شاید مهم‌ترین امر باشد. در روند تصمیم‌گیری کنونی، ارزیابی وضع امنیتی خودمان بر مبنای مستمر، پس شایان توجه است. ما پس از تک ارزیابی بسیار شتابزده در ایران، سرهنگهای جوان را با آگاهی کامل از خطری که احتمال آن می‌رفت، پذیرفته و تربیت نمودیم و در همان هنگام نا آن جا که ممکن بود، کوشیدیم تا نیروهای جدید الحاقی به خود را شناسایی کنیم.

ط. در صورت امکان، فراهم آوردن پنهانی امکاناتی که عملیات دوستان ما را زیر نظر قرار دهد، بسیار سودمند خواهد بود؛ زیرا محقق می‌شود که اقدامات نظامی می‌توانند بسیار منفرجه گردند و بسیار حایز اهمیت خواهد بود تا بدانیم چه کسی مجروح یا دستگیر شده و یا خیانت نموده است. دو هشدار باید داده شود: یک هشدار سریع در صورت ایجاد شکاف امنیتی و دیگری پس از آن برای گوش به زنگ کردن سایر عوامل. این امر بویژه در طول مراحل اقدام باید انجام شود.

ی. کنترل‌های امنیتی ممکن است روز به روز تغییر کند و ما باید اطلاعاتی پیرامون کل حوزه امنیتی داشته باشیم. برای نمونه، در گرما گرم یک شرایط نظامی بسیار متغیر، یکی از افسران و یکی از نمایندگان اصلی ما ناچار می‌شوند تا پس از پایان ساعت حکومت نظامی، سفرهایی شتابزده را به شهرهایی در فاصله هشت یا ده ساعتی پایتخت انجام دهند. ما قادر

بودیم تا اسناد جمعنی را در اختیارشان قرار دهیم که ثابت شد برای نمربخش بودن عملیات آنان بسیار لازم بوده است.

ک. اطلاعات پیرامون شبکه های رادبو و تلگراف بسیار مهم است. در ایران شبکه های رادیوی نیروی هوایی، ژاندارمری، ارتش، شبکه راه آهن و شبکه تلگراف شرکت نفت وجود دارند. تعداد و گستره شبکه های تلگراف اغلب در هر کشور شگفت انگیز است و باید به دلایل کاملاً آشکار، مورد بررسی دقیق قرار گیرند. ما در یک مرحله از عملیات تی.بی.آزاکس، آشکارا از سیستم تلگراف دولتی و عباراتی ساده که دارای مفهوم عملیاتی بود، بهره جستیم. سیستمهای تلفن، وسابلی ساده، هم برای نیروهای دشمن و هم برای نیروهای دوست است تا باهم در ارتباط باشند و لازم است اطلاعاتی در مورد میزان شنود اطلاعاتی گردآوری شود و اگر امکان پذیر است، اهداف مورد نظر شناسایی گردند. در ایران مشخص شد که حزب توده به سیستم ارتباط رسانی دولتی نفوذ نموده بود و با وجود این امر، ما به این سیستم تکیه کردیم، زیرا در یک مقطع زمانی تمام امکانات ارتباطی از کار افتاده بودند. ناامنی آن عمل محقق شده، اما می بایست به شرایط تن در داد. در مرکز کد دفتر رییس دولت یا مرکز کد رییس ستاد ارتش، مهم ترین و یگانه ترین پایگاه ارتباطی که در دست دشمن است، وجود دارد. اگر نتوان به این مرکز نفوذ نمود، باید آن را از کار انداخت و وسایل ارتباطی جایگزین را برای نیروهای خودی برقرار کرد.

ل. از گردآوری اطلاعات گاهی اوقات می توان در انبای موقعیتهایی که در آنها جعل "بهاذه ای برای اقدام" لزوم پیدا می کند، بهره جست. نفوذ عمیق در دولت متخاصم ممکن است عملیاتی را بر ملا سازد که توسط آن دولت طرح شده و برای عموم ناشناخته است. زمانی که انگیزه پرسنل

جدید جهت انجام اقدامی ناکافی است، پیوسته لازم خواهد بود آنان را برای مشارکت در عملیات تحریک نمود.

### سوم. برنامه ریزی نظامی همچون شالوده کودتا

الف. دانش برنامه ریزی نظامی بسیار ژرفتر و شناخته شده تر از آن است که این نوشتار تمام آن را در خود بگنجاند. بدیهی است افسرانی که مسئول طراحی امور نظامی هستند، باید تجربه‌ای کافی در نیروهای مسلح جهت آمادگی انجام این مأموریت داشته باشند.

ب. افسران، افزون برداشتن سابقه در برنامه‌ریزی نظامی، باید در عملیات سرّی نیز دارای تجربه باشند. مبنای کودتا امنیتی است که به ما اجازه می‌دهد تا غافلگیری عملیاتی را به کار بندیم. اساس امنیت، کار آزمودگی است که تنها از راه تجربه به دست می‌آید.

ج. مسکن است فرض شود که یک دفتر نظامی متشکل از افسران بومی برای برنامه‌ریزی محلی، خواه از داخل کشور مورد بحث یا بیرون از آن در دسترس خواهد بود. این دفتر نظامی تنها می‌تواند زمانی عمل نماید که اطلاعات نظامی رایج و کاملی در اختیار داشته باشد.

د. رهبر آینده دولت دوست، ممکن است ترکیب دفتر نظامی را تعیین نماید یا این که مستقلاً توسط رهبر مشخص شده، معین گردد. در هر صورت عملیات سرّی قطعاً لازم است.

ه. این که یک افسر وابسته سیاه به این دفتر نظامی معرفی خواهد شد یا نه، امری است که به شرایط محلی بستگی دارد. در ایران ما دریافتیم که باید کار را به یک طراح سازمان سیاه بسپاریم، که او هم بعداً دریافت لازم است در خود عملیات در شرایطی یکسان با افسران محلی همکاری نماید. آشکار است که این اقدام، خطر امنیتی دیگری است که در صورت امکان

باید از آن پرهیز کرد.

و. فهرست دستگیری‌های سیاسی باید توسط برنامه‌ریز سیا تهیه شود و وظیفه او آن است که نیروهای لازم را برای اجرای چنین اقدامی فراهم کند. افسر نظامی و دفتر نظامی سیا لازم است اهداف نظامی و غیرنظامی را که باید توسط نیروهای خودی از کار انداخته یا اشغال گردند، تعیین نمایند.

ز. در صورت امکان یک شبکه رادیویی متعلق به سازمان سیا باید در جریان کودتا صرفاً جهت ارتباط افسر عملیاتی سیا و دفتر نظامی پدید آید که لازم است به نوبت با مرکز و بخش‌های فرماندهی نیروهای خودی در ارتباط باشد. هرگاه این امر امکان پذیر نباشد، عمدتاً باید به دیگر امکانات ارتباطی تکیه کرد. در تمام موارد باید یک شیوه اصلی و یک راه جایگزین برای ارتباط میان عناصر به وجود آید.

ح. برنامه‌ریزی نظامی باید بر اساس این اصل باشد که برخی از عناصر مانور خواهند رفت و این که در این صورت، عملیات نباید با شکست روبرو گردد. از این رو، هشدارهای اعلام خطر نیز باید افزوده شوند تا به طور خودکار، انتقال عملیات را از یک مرحله به مرحله دیگر بر اساس این که کدام واحدها لو رفته‌اند، اعلام نمایند. در ایران دلایل خوبی وجود دارد تا چنین پنداشته شود که علایم خطر مشاهده شده پیش از تغییر دولت؛ در زنده نگاه داشتن یک عملیات، بسیار اساسی بوده‌اند؛ در حالی که یک غیر خودی این گونه می‌پندارد که عملیات شکست خورده است.

د. برنامه‌ریزان نظامی ما باید احتمال یک جنگ داخلی را بررسی کنند و اقدامات احتیاطی را در این باره در طرح عملیات بگنجانند. ممکن است چنین اتفاقی لزوم برقراری یک بستر ایمن برای دولت دوست و جدید را ملموس نماید. احتمالات و اتفاقات ناشی از جنگ داخلی تنها بر اساس

تحلیل هر کدام از شرایط محلی قابل بررسی است؛ اما پیش بینی آن چندان مشکل نیست و قطعاً باید برای آن برنامه ریزی کرد.

ی. برقراری خانه‌های امن برای رابط‌های عملیاتی، باید پیش از درگیری نیروهای دوست در عملیات، بخوبی طراحی و اجرا گردد. چندین خانه یا پایگاه امن باید به منظور حفظ ارتباط با عناصر دوست، در صورت لزوم رفتن یکی یا چند باب از آنها، برقرار شوند. در مواردی که پرسنل سبب همگی در یک سفارتخانه مستقر می‌شوند، شرایط ایجاب می‌کند تا خانه‌ها و پایگاه‌هایی امن برپا داشته شوند. خانه‌های امن باید به نحوی مطلوب مجهز به رادیو، تلفن مستقل یا دیگر وسایل ارتباطی با توجه به شرایط محلی باشند. اگر لازم است که پول، مهمات، تسلیحات، پوشاک، غذا و اسناد پنهان گردند، باید خانه‌هایی با محافظان امین به کار گرفت که توانایی محافظت از این اقلام را داشته باشند.

ک. اقلام پشتیبانی مانند اتومبیل، تاکسی و دیگر وسایل نقلیه می‌بایست پیش از آغاز عملیات فراهم و بخوبی در یک مکان محافظت شوند.

ل. هر جا که امکان آن وجود داشته باشد، باید افراد و واحدهای نیروهای دوست، در مکان‌هایی جداگانه مستقر شوند. مسأله بسیار مهم این است که در صورت لزوم رفتن یک بخش از عملیات، بازجویی [از دستگیر شدگان] موجب فاش شدن تمام عناصر خودی نگردد.

م. اعضای دفتر نظامی نباید تحت هیچ شرایطی، فعالانه در عملیات شرکت جویند، زیرا آنان در جایگاهی هستند که در بازجویی، مسائل و مطالب بسیاری را فاش خواهند نمود.

ن. هیأت نظامی باید در برگیرنده افسران ستاد و افسران رزمی باشد و با توجه به لزوم شرایط محلی، افراد کارشناس نیز در آن حضور داشته باشند. وجود یک افسر ستاد متخصص ارتباطات، بسیار سودمند خواهد بود.

س. احتمالاً واکنش متقابل در برابر اقدامات ایالات متحده باید همواره مدنظر همه افسران سیا باشد که درگیر چنین عملیاتی هستند. اندک عملیاتی به اندازه این گونه عملیات، خطیر و حساس است. این واقعیت، گزینش بهترین افسران آموزش دیده و باتجربه را گریز ناپذیر می‌سازد.

ع. برنامه‌ریزی نظامی، باید احتمال شکست کامل عملیات را در نظر بگیرد و بنابراین در صدد ندادن یک طرح عقب نشینی برای کارکنان سیا و پرسنل محلی باشد که ممکن است لو بروند. هوایما برای وابسته‌های نظامی آمریکا، شبکه‌های فرار و دیگر عوامل عملیاتی، ممکن است به کار گرفته شوند. اگر هیچ کدام از موارد بالا در دسترس نبود، پیش از عملیات باید مخفی‌گاه‌هایی فراهم شوند که هرگز در طول عملیات مورد استفاده قرار نگیرند.

ف. تعهد به دوستانمان، باید متناسب با توانایی ما در انجام آن باشد. ما در ایران از دادن رشوه پرهیز می‌کنیم، زیرا بر این باوریم که افسران رشوه‌خوار، احتمالاً در صورت گرفتار شدن در محاصره یک عملیات و شکنجه، به آن خیانت می‌کنند. ما در ایران حتی یک سنت هم برای جذب افسران، هزینه نکردیم.

ص. در مورد مشکل نگهداری و مراقبت از همسران و خانواده‌های افسران دوست نیز باید آینده‌نگری‌های مورد نیاز، اندیشیده شود.

ق. احتمال بهره‌جویی از اسلحه‌های ساخت دیگر کشورها در جاهایی که تسلیحات آمریکایی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، باید در نظر گرفته شود.

و. ما مرکز ارتباط رسانی را همچون نخستین هدفی که باید تسخیر شود، در نظر گرفتیم. احساس ما بر این بود که بازداشتن دولت متخاصم و نیروهای متخاصم از برقراری ارتباط با یکدیگر، اهمیتی سرنواشت‌ساز دارد. افزودن

بر این، از دید ما مراکز ارتباطی شامل شرکت تلفن باید پیش از انجام دستگیری‌ها تسخیر شوند، زیرا تصور نمی‌کردیم نیروهای دوست بتوانند در زمان مقرر، افراد نام برده شده در فهرست‌ها را بازداشت نمایند. البته ممکن است دیگر شرایط محلی، این الگوی نرسیم شده را دگرگون سازند.

ش. احتمال دستگیری نیروهای منخاصم در کمپها و اقامتگاهها را نباید نادیده گرفت. در ایران همه پلها در محوطه‌های قرار گرفته‌اند که در بیشتر موارد تنها دارای دو راه خروجی هستند.

ت. احتمال بهره‌جویی از شبکه رادبریی فرماندهی ارتش محلی نباید نادیده گرفته شود. با وجود این، علایم هشدار دهنده و اعلام خطر معمولاً بخشی از شیوه عمل متعارف همه ارتشها هستند و باید توجه بسیار زیادی به این امر نبود که متصدیان رادیوی ارتش که برای این عملیات گزینش شده‌اند، افرادی مطمئن هستند.

ث. احتمال اقدام علیه اراذل و اوباش شامل نیروهای شبه نظامی کمونیست کارخانه‌ها و غیره را باید در نظر گرفت. هر جا که این احتمال وجود دارد، لازم است نیروهای دوست خود را آن چنان آرایش دهیم تا از راه مسدود نمودن جاده‌ها، ایجاد محلهای بازرسی، کنترل ترافیک، محدودیت ساعت رفت و آمد، استناد جدید و غیره، همه شهرها را خنثی سازند.

خ. بدیهی است فهرست کاملی از وظایف افسران در ارتش جدید باید پیش از تشکیل آن فراهم گردد تا هیچ گونه سردرگسی به وجود نیاید.

د. تا اندازه ممکن بسیار بهتر است که به جای در نظر گرفتن یک سیستم مخفی تدارکات، از سیستم تدارک محلی ارتش استفاده گردد و نیز به جای راهبری عملیات از بیرون مرزها، آن را از داخل کشور هدایت نمود. همچنین به مراتب آسانتر است که عملیات به هنگام حضور مأموران

سازمان سیا در ایران، به جای بودن آنان در خارج از کشور، اجرا شود. پوستل باید زیر پوشش کامل قرار گیرند تا هر گاه که امکان پذیر باشد از واکنش متقابل جلوگیری شود.